

آینه

کیم‌ان

۵هزار بزرگ‌تر از ۱۹هزار!

...آقای صادق خرازی که به‌عنوان کارشناس امور بین‌الملل و مسائل هسته‌ای و برای چندمین‌بار به برنامه گفت‌وگوی ویژه شبکه دو سیما دعوت شده بود، آقای خرازی در بخشی از اظهارات خود می‌گوید: «قبلا حتی اجازه داشتن یک سانترفیوژ را به ایران نمی‌دادند، اما اکنون می‌توانیم بیش از پنج‌هزار دستگاه سانترفیوژ داشته باشیم!» و این پرسش را بی‌پاسخ می‌گذارند که چرا ابتدا و انتهای این گزاره را حذف کرده‌اند؟! مثلاً نمی‌فرمایند یک‌سانترفیوژ؟ در دوران اصلاحات و حاکمیت همفکران و هم‌حزبی‌های ایشان یر دولت بود که از ترس حمله نظامی آمریکا حاضر نبودند فعالیت‌های تعلیق شده هسته‌ای بعد از اجلاس سعدآباد را از سر بگیرند... آقای صادق خرازی با حذف این بخش از ماجرا، نتیجه گرفته‌اند که تیم هسته‌ای کشورمان توانسته است در توافق لوزان، عدم اجازه برخورداری از «حتی یک‌سانترفیوژ» را به اجازه برخورداری از ۵هزار دستگاه برساند! و حال آن که باید می‌فرمودند، دولت محترم یازدهم ۱۹هزارسانترفیوژ را تحویل گرفته و در جریان توافق لوزان ۱۴هزار۲ دستگاه آن را از چرخه غنی‌سازی خارج کرده است. بدیهی است که در این حالت به جای افتخار به تبدیل یک به پنج‌هزار، باید در مقابل تبدیل ۱۹هزار به پنج‌هزار پاسخ می‌دادند! آیا در ریاضیات جدید پنج‌هزار بزرگ‌تر از ۱۹هزار است؟! چه اشکالی دارد که اگر توافق لوزان با منافع ملی همخوان نباشد- که به یقین نیست- اکنون که هنوز وقت باقی است و همه فرصت‌ها از دست نرفته است، دولت و تیم مذاکره‌کننده در تصمیم خود تجدیدنظر کنند.

وطن امروز

چرا مذاکرات ایران با آمریکا باید محدود به موضوع هسته‌ای باشد؟

رهبر عالیقدر نظام با آگاهی حداکثری از مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تعارض و تضاد منافع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با دولت ایالات‌متحده تأکید فرموده‌اند. بنا به آنچه گفته شد اساسا مذاکره ایران با ایالات‌متحده در کل- و عموما- بی‌معناست. به عبارت دیگر میانه میان دو دولتی که ذاتا و ماهیتا دومیسر کاملا جدا از یکدیگر را می‌پیمایند به لحاظ منطقی منفی و غیرعقلانی است، مگر در موضوعات خاص و استثنایی‌ای چون «پرونده هسته‌ای ایران». جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نماد و تجلی «تمدن لاهوتی» نمی‌تواند منافع مشترک بلندمدتی با آمریکا به‌عنوان نماد و تجلی «تمدن ناسوتی» و شیطنی غرب داشته باشد. پرواضح است هدف و مسیر «تمدن لاهوتی» در تقابلی آشکار با «تمدن ناسوتی» قرار گرفته است... تمام دولت‌ها در صورت پایبندی بر عهد و پیمان خود مبنی بر تبعیت تام و تمام از مفاد قانون اساسی نمی‌توانند به‌دنبال «مذاکره جامع» با دولتی باشند که قانون اساسی به انجام ناگوگون (مستقیم یا غیرمستقیم) به طرد آن پرداخته است.

آفتاب

ناراحتی دلبازان از خوشحالی مردم

بعد از اولین سفر رئیس‌جمهور روحانی به نیویورک در مهر ۹۲ بود که در پی تماس تلفنی باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا با حسن روحانی، طرف با حضور در جلسه کمیسیون امنیت ملی به بیان برخی مسائل محرمانه پرداخت. یک روز بعد، همین سخنان تیتیر یک‌روزنامه اصولگرا بود! تیتری که به کمردرد محمد جواد طریف منجر شد و وی راهی بیمارستان شد. ماجرای محرمانه نامندان سخنان وزیر در جلسه کمیسیون امنیت ملی، دلیلی شد تا دیگر مسئول تیم هسته‌ای کشورمان از گفتن جزئیات و محرمانه‌ها به نمایندگان مجلس امتناع کنند! اما از دیگر جلسات حاشیه ساز طریف و کمیسیون امنیت ملی، روز گذشته رخ داد! جلسه‌ای که با حضور اکثر نمایندگان مجلس برگزار و به درگیری لفظی وزیر امور خارجه کشورمان با جواد کریمی قدوسی ختم شد! این تحرکات در حالی است که علی لاریجانی، رئیس مجلس در جلسه فراکسیون اصولگرایان ه‌روران ولایت از دستاورد مذاکرات لوزان ابراز خشنودی کرد و حاصل کار تا این مرحله را مثبت عنوان کرد.

پرسش و پاسخ

ثبت رکورد نیم‌قرن بورس

بورس تهران در شرایطی رکورد نیم‌قرن فعالیت خود را شکست و با رشد بیش از دوهزارو۰۰۰ واحدی شاخص کل مواجه شد که در بازار از شاهد ثبات قیمت‌ها و حتی نرخ دلار به قیمت‌های روزهای قبل از تهاجم لوزان بازگشت. با این حال بورس تهران با کسب سود ۲/۶درصدی روزانه که از ابتدای فعالیت بورس تاکنون بی نظیر بوده، رکورد رشد هفتگی خود را نیز به ثبت رساند. ...از ابتدای سال تاکنون یعنی در هفت‌روز کاری، این بازار توانسته است ۱۲/۴درصد سود را عاید بازیگران خود کند که این میزان سود در مدت زمانی مشابه در کل تاریخ فعالیت این بازار بی‌سابقه بوده است. به این ترتیب بازار سهام که در اوج دوران رشد خود قرار گرفته است، می‌تواند بخشی قابل‌توجهی از زیان فعالان این بازار را که در سال گذشته تجربه کرده بودند، پوشش دهد.

سالار سپید جامه: از زمان حمله ایالات‌متحده به عراق در دوران بوش پسر تا به امروز، تعطیلات نوروز معمولا با تحولات مهمی در سطح منطقه و حتی ایران، گره خورده است. این درحالی است که به علت تعطیلی دوهفته‌ای رسانه‌های مکتوب و نیمه‌فعال‌بودن خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری، رسانه عمومی تنها مرجع دریافت اخبار برای ایرانیان به‌شمار می‌رفته است. در سال‌های ابتدای دهه ۸۰ شمسی، اثر چندانی از اطلاع‌رسانی در فضای مجازی دیده نمی‌شد و گیرنده‌های ماهواره نیز عددی بسیار کمتر از آمار رسمی و غیررسمی امروز به خود اختصاص داده بودند. پس از آن و از نیمه این‌دهه به این‌سو و به‌ویژه در چندسال اخیر، رشد سریع و پرتعداد خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری شبکه‌های اجتماعی در کنار تعدد شبکه‌های برون‌مرزی به زبان‌های

مختلف از جمله فارسی، فضای اطلاع‌رسانی را کاملا دگرگون ساخته است اما همچنان بخشی از جامعه عادت تلویزیون و رادیوی روشن در خانه از حفظ کرده‌اند. از سوی دیگر به‌دلیل حاکمیتی‌بودن صداوسیما، اخبار و تحلیل‌های ارائه‌شده از این رسانه صرفا دیدگاه‌های یک‌رسانه با رویکرد سیاسی مشخص به‌شمار نمی‌رود بلکه به‌نوعی موضع رسمی را نمایندگی می‌کند و این مسئله در روزهای تعطیلات عید، تشدید می‌شود. رویه صداوسیما در سال‌های گذشته، همواره محل انتقاد دو گروه بوده است. نخست کارشناسان حوزه رسانه که فارغ از نوع جهت‌گیری‌های خاص رسانه ملی، شیوه پردازش اخبار و اطلاعات در این مجموعه عظیم و «تولید برنامه» در سایر گروه‌ها مانند «فیلم و سریال»، «اجتماعی»، «اقتصادی» و... را غیرقابل رقابت با رسانه‌های برون‌مرزی می‌دانند که اصل در آنها انتقال پیام درست به مخاطب است. گروه دوم اما فعالان سیاسی منتقد هستند که در دوران اصلاحات و پس از آن، این رسانه را حامی یک دیدگاه سیاسی خاص دانسته و از کم‌توجهی به تمام تفکرات داخل کشور ابراز ناراضی می‌کنند. این نقیصه تا حدودی توسط رسانه‌های مستقل کشور که تلاش دارند به شکل حرفه‌ای به اخبار پرداخته و دیدگاه‌های کارشناسان و تحلیلگران توانمند را به مخاطبان عرضه کنند پوشش داده شده است اما در زمان تعطیلی این رسانه‌ها، شرایط متفاوت می‌شود. اگرچه مردم برای دریافت تحلیل و اخبار، لزوما نیازی به رسانه‌های مکتوب اعم از روزنامه‌ها و مجلات ندارند و می‌توانند در فضای مجازی به دنبال تامين نیاز خبری خود باشند اما همچنان، این گزارش‌ها، گفت‌وگوها، یادداشت‌ها و اخبار رسانه‌های مکتوب است که در بسیاری از صحنه‌های مجازی بازنشر داده می‌شود یا مردم با مراجعه به وب‌سایت‌های همین رسانه‌ها، از مطالب آن بهره می‌گیرند. در این میان انقلاب اطلاع‌رسانی در «شبکه‌های اجتماعی» که حتی با بستر تلفن‌های همراه هوشمند قابل دستیابی است سبب شده سرعت انتقال اطاعات و اخبار به طرز قابل‌توجهی افزایش یابد و انحصار خبری، معنای خود را تا حد زیادی از دست بدهد. باین‌حال، انتقاد از رسانه عمومی به سبب بودجه قابل‌توجه متعلق به منابع عمومی و رویکردهای خاص در حوزه معاونت سیاسی و واحد مرکزی خبر و همانطور که اشاره شد در سایر گروه‌های تولید برنامه، به قوت خود باقی است. اینچنین است که در ماجرای حمله آمریکا به عراق، نوع تحلیل‌های ارائه‌شده در صداوسیما، پس از تعطیلات به طور جدی توسط تحلیلگران و کارشناسانی که در مطبوعات به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند، مورد نقد قرار گرفت. استدلال آنان این بود که اگر یک یا دوکارشناس در یک رسانه به‌دلیل خطای محاسباتی، تحلیل غیرمنطقی با واقعیت ارائه دهند، امری طبیعی است اما اگر رویکرد کلی چنین باشد، آنگاه باید نسبت به این مسئله با تامل نگریست.

تصویر و دیگر هیچ

از رسانه‌ها به‌عنوان بازوی دیپلماسی عمومی و سیاست داخلی نام برده می‌شود. مطبوعات در برخی منابع به‌عنوان «رکن چهارم دموکراسی» خوانده شده‌اند. حتی در ایالات‌متحده با وجود صدها شبکه خصوصی دیداری و شنیداری، می‌توان به‌خوبی اثر گرایش‌های سیاسی را در مقایسه میان «فاکس‌نیوز» یا «اسکای‌نیوز» یا «سی‌ان‌ان» و «ان‌بی‌سی» مشاهده کرد. باوجود گسترش انواع رسانه‌های مکتوب و مجازی، همچنان «معجزه صدا و تصویر» است که مخاطبان را جذب می‌کند. بر همین‌اساس انواع شبکه‌های خبری جهانی از بی‌بی‌سی و فرانس ۲۴ گرفته تا راش‌اتودی و المیادین و از العربیه تا الجزیره، یک‌به‌یک با لوگوی منحصربه‌فرد و «تمایز گفتمان» در گذر زمان یا به عرصه گذارده‌اند و هر کدام، مخاطب خاص خود را یافته‌اند. صداوسیما هم علاوه بر شبکه «بین‌المللی خبر» برای مخاطبان فارسی‌زبان در جهان، شبکه‌هایی چون پرس‌توی‌و العالم به زبان‌های انگلیسی و عربی را در سال‌های اخیر راه‌اندازی کرده‌است. فرستاده است اما همچنان با همان آسیب مورد

سیاست



بهار محمدی

مذاکرات هسته‌ای نشان داد در «رسانه عمومی» همچنان بر «پاشنه» سابق می‌چرخد

عقب‌ماندگی در خط پایان

نوذر شفیعی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و از استادان دانشگاه در رشته علوم سیاسی، میهمان برنامه بودند. اما اتفاقی کم‌نظیر، پس از قرائت بیانیه از سوی طریف و موگرینی روی داد؛ مجری بلافاصله اعلام کرد سخنرانی باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده به‌صورت زنده پخش می‌شود و قسمت اعظم آن پوشش خبری داده شد. پس از آن بود که علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، کاظم سجادیور از دیپلمات‌های باسابقه وزارت خارجه و استاد دانشگاه و حسن بهشتی‌پور از کارشناسان سیاست خارجی روی خط آمدند. تا اینجای کار، تلاش شده بود که به استانداردهای شبکه‌های خبری جهانی نزدیک شوند اما بازمه کم‌دقتی رسانه‌عمومی کار دست آنها داد و طریف، ترجمه، خبرساز شد. نوذر شفیعی از تفاوت متن قرائت‌شده توسط موگرینی با متن دکتر طریف سخن گفت اما سجادیور و بهشتی‌پور، تفاوت را رد کردند؛ امری که در روزهای آینده مورد اعتراض عباس عراقچی و طریف واقع شد. مسئله آنجا بود که به عمد یا سهو در بخش‌هایی از ترجمه اشتباه‌هایی صورت گرفت اما انتظار می‌رفت این اشتباه‌ها اصلاح شود، ولی نه تنها چنین نشد، بلکه دستاویز تخریب تیم هسته‌ای ایران نیز قرار گرفت. پس از آن یکی از بخش‌های خبری شبکه اول، مجری از کارشناس برنامه با استناد به همین عبارت ترجمه اشتباه از سخنان موگرینی، دلیل تناقض در سخنان او و طریف را پرسید. کاظم سجادیور که در استودیو حضور داشت در پاسخ به این سوال ضمن انتقاد از طرح گزینشی سخنان مقامات خارجی، تأکید کرد او به وزیر خارجه ایران اعتماد دارد و صحبت‌های وی را صحیح می‌داند. علاوه‌بر این در بخش گفت‌وگوی ویژه پخش خبری ساعت ۲۲:۳۰ شبکه‌دو جمع‌شبه نیز مجری برنامه با استناد به ترجمه اشتباه شبکه خبر صداوسیما از سخنان قدریکو موگرینی، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، درباره گفته‌شدن عبارت «در

مذاکرات هسته‌ای

رو کار آمدن دولت روحانی با تغییر تاکتیک در پرونده هسته‌ای با خواست رئیس‌جمهور و نظر مساعد مقام‌مظمر-هبری همراه شد و در این یک‌سال‌ونیم، یکی از پرخبرترین حوزه‌ها برای رسانه‌های داخلی و خارجی به‌شمار رفته است. چه در ایامی که مذاکرات در حال برگزاری است و چه در هفته‌هایی که تیم‌های مذاکره‌کننده در پایتخت‌ها به سر می‌برند، روزی نیست که خبر، گفت‌وگو یا گزارشی در این‌باره در ایران و جهان منتشر نشود. اما با وجود حضور خبرنگاران رسانه عمومی همراه تیم مذاکره‌کننده و دسترسی بهتر آنان به مسئولان برنامه‌های زنده و گفت‌وگوهای خبری، همچنان کمیت «فشارسازی» صحنه خبری «لنگ» است. این مسئله در مذاکرات اخیر «سوئیس»، به‌دلیل تقارن با نوروز و تعطیلی روزنامه‌ها و مجلات، بیش از پیش خود را نشان داد. ارائه تحلیل با

حضور دیدگاه‌های مختلف درون نظام و کارشناسان شاخص می‌توانست کیفیت اطلاع‌رسانی شبکه‌های سیما را افزایش دهد. چرا نباید از سیروس ناصری، پیروز حسینی، صادق خرازی، ناصر هادیان و امیرحسین زمانی‌نا به‌عنوان دیپلمات‌های شناخته‌شده نظام در این برنامه‌ها استفاده شود؟ در شرایطی که مذاکرات در حال انجام است و با توجه به شیوه بیان مشهور دیپلمات‌ها، خبر

قطعی از فرجام آن در دست نیست، همان کاری که روزنامه‌ها و رسانه‌های مستقل انجام می‌دهند، می‌تواند با کیفیت و سطح مخاطب بیشتر در صداوسیما هم ارائه شود. در سوی مقابل کارشناسانی که از آنها نام برده شد، می‌شد از ابراهیم متقی، ابومحمد عسگرخانی و حسن بهشتی‌پور استفاده کرد. حتی علی لاریجانی به‌عنوان چهره‌ای که راهبری مذاکرات در چندروزه گذشته داشته و چهره‌ای مورد اعتماد برای مجموعه نظام به‌شمار می‌رود، علی‌اکبر ولایتی و سایر کارشناسان و دیپلمات‌های گذشته و حال نظام هم، می‌توانستند در روزهای پایانی مذاکرات از سوی این رسانه دعوت شوند. روزنامه‌نگاران و نویسندگان مطبوعاتی با سابقه در حوزه دیپلماسی و هسته‌ای نیز در همه جای دنیا به‌عنوان کارشناس، ارتباط تصویری با شبکه‌های مختلف برقرار می‌کنند اما در ایران، حتی از روزنامه‌نگاران همسو با گرایش سیاسی تلویزیون کمتر استفاده می‌شود چه رسد به روزنامه‌نگاران غیرهمسو. تأکید بر «کلشه» همچنان در قاب شیشه‌ای تلویزیون به چشم می‌خورد. در شامگاه ۱۳فروردین - در شرایطی که پس از هشت‌روز مذاکره از پنجم فروردین و فرازوفرودهای آن، صدور بیانیه پایانی قطعی شده بود- شبکه خبر با اقدامی قابل تحسین، به سبک همه شبکه‌های جهانی، برنامه‌های عادی خود را قطع کرده و سه‌ونیم‌ساعت برنامه زنده درباره توافق را تدارک دید. حسن عابدینی، مدیرکل پیشین اخبار شبکه العالم و از کارشناس- مجریان صداوسیما به همراه

که آنان در جهت اهدافشان چنین اقدامی کنند. این ما هستیم که باید به دستاوردهای خود در مذاکرات توجه کنیم و نباید اسیر تبلیغات طرف مقابل شویم و فکت‌شیت برای ما ملاک نیست. برخی دوستان در صداوسیما، بعد از قرائت متن از سوی دکتر طریف-پس از مذاکرات لوزان، در اصالت ترجمه تشکیک کردند که آیا متن آقای طریف همان متن خانم موگرینی است؟ این اتفاق باعث تعجب ما شد. وقتی متنی به‌دوربان ارائه نشود، این‌گونه نیست که طرفین مقابل ما نسبت به آن بی‌توجه باشند و آنان نیز مترجم‌هایی دارند. ما نیز با جابه‌جایی ترجمه، اعتبار خود را نزد طرفین مذاکره‌کننده و مردم، کم‌دهنده‌بار نخواهیم کرد. دلم می‌خواهد مردم ما با اعتماد کنند تا طرف‌های مقابل. طرف آمریکایی قابل اعتماد نیست و نباید به متن «فکت‌شیت» آمریکایی یا مصاحبه طرف

آمریکایی بیشتر از طرف خودی اعتماد کنیم.» شبه‌شب نیز محمدجواد طریف در برنامه نگاهیک، به این شبهه پاسخ داد. توقع این بود که این برنامه مهم که قرار بود به‌طور زنده، به پاسخ‌های وزیر خارجه به شبهات منتقدان بیانیه لوزان اختصاص یابد با همان مجری برگزار شد که با همه وزرا در همه مباحث تخصصی! وارد مجادله می‌شود. فقدان مجری- کارشناس یا استفاده از خبرنگاران شاخص مطبوعات مذاکره‌کننده- که امری متداول در دنیاست - از جمله آسیب‌های این برنامه است که در برنامه شبه‌شب نیز خود را نشان داد و طریف به‌دلیل سوالات مجری، ناگزیر از ورود به حوزه‌هایی شد که به گفته خودش می‌تواند به ادامه مذاکرات لطمه بزند. او به شبهه تفاوت متن‌ها نیز پاسخ داد: «در همین متن که خانم موگرینی و من خواندیم یک‌دیگر به‌هم بدهم چراکه متأسفانه در صداوسیما یکی، دونفر حرف‌هایی زدن که خوب نبود. برای نمونه آقای دکتر نوذر شفیعی که از دوستان و همکاران دانشگاهی من است اظهارنظریایی داشت و من به وی گفتم که چرا شما گفتید متن موگرینی با متنی که من خواندم فرق می‌کند که شفیعی در جواب من گفت من متن خانم موگرینی را به انگلیسی گوش نکردم و مترجم هم‌زمان داشت ترجمه می‌کرد. متن من و خانم موگرینی حدود دوساعت قبل از مصاحبه مطبوعاتی به انگلیسی آماده شد و متن مذاکره‌شده بود و این متن حقوقی نیست بلکه بیانیه مطبوعاتی است. این بیانیه بین خود ما تدوین و چند دوره هم مذاکره شد و باید شش‌کشور می‌دیدند و باید چند جمله‌اش عوض می‌شد و این روال را که طی کردیم ما متنی را دست همکارانمان دادیم که ترجمه کنند. من به همکارانم گفتم بلاخره این ترجمه، ترجمه‌ای است که هر دو متن خوانده می‌شود و باید مطمئن شوید که ما عین همان ترجمه را می‌کنیم و همکارانم عین آن را ترجمه کردند. ما به جلسه وزرا رفتیم و همه، متن انگلیسی را دیده بودند و می‌خواستیم آن را نهایی کنیم اما من با آقای عراقچی دوباره متن را نگاه کردیم تا یک‌وقت از متن اصلی کم و زیادی نداشته باشد و وقتی مطمئن شدیم نیم‌ساعت از جلسه وزرا گذشته بود و وزرا در محل کنفرانس مطبوعاتی منتظر ما بودند که بتوانیم یک ترجمه دقیق تهیه کنیم. صداوسیما از مترجم هم‌زمان استفاده می‌کند و مترجم هر قدر هم که قوی باشد ۵۰درصد متن را می‌تواند ترجمه کند و مشکل ترجمه هم‌زمان همین است. برخی به من خرد می‌گیرند که چرا به این مسئله مذاکره می‌کنم درحالی‌که اگر من به فارسی مذاکره کنم کسی که ترجمه می‌کند حتی ۵۰درصد مفاهیمی را که می‌خواهم بگویم نمی‌تواند به طرف مقابل منتقل کند. در ترجمه رسم است که می‌گویند بهترین مترجم هم‌زمان حداکثر ۷۰ درصد مطالب را منتقل می‌کند. متنی که دوستان ما تهیه کردند عین صداوسیما و آقای کری، فایوس، اشتان مایر و دو نماینده چین و روسیه در صف اول نشست بودند و برای مثال کری، سخنگوی فارسی‌زبان دارد و هیچ‌کس نکفت ترجمه ما ایراد دارد. ای مردم بدانید که آتقدر به نمایندگان شما اطمینان دارند که نمی‌گویند می‌خواهیم ترجمه شما را چک کنیم اما برخی دوستان ما اینجا گفتند که ترجمه غلط است.»

راه‌حل چیست؟

در ایران نبود شبکه‌های ماهواره‌ای خصوصی دست فعالان حوزه رسانه را در فضای تصویری کاملا بسته است. درعین‌حال می‌شد بلافاصله پس از بیانیه لوزان، مقامات رسمی ایران با برگزاری نشست خبری یا در صورت عدم دسترسی به خبرنگاران رئیس‌جمهوری آمریکا را با ترجمه پخش زنده کرد. این درحالی است که بخش عمده سخنان اوباما، مصرف داخلی داشت و با هدف اقناع جمهوری‌خواهان و لابی صهیونیست، بیان شد و طبیعی است اشکال بزرگ دیگر در ترجمه بیانیه نهایی لوزان بروز کرد، به‌دلیل ضعف مترجم، کارشناسان حاضر در میزگرد صداوسیما که اغلب از منتقدان دیپلماسی اعتدال بودند، مدعی شدند که متن خانم موگرینی با طریف متفاوت است که البته حسن بهشتی‌پور با تذکر در مورد برداشت نادرست تلویزیون این ایراد را رفع کرد.» سپس نوبت عباس عراقچی بود که در گفت‌وگوی خبری جمعه‌شب شبکه ۲، از آن رویکرد انتقاد کند: «آمریکایی‌ها با توافقات لوزان نیز این کار را کردند و این طریکی است

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی

بهار محمدی